


دادگاه خانواده

حیرت قاضی از دلیل زوج تهرانی برای طلاق

ناهمید پروری / زندگی نوپای زن و شوهر جوان به بن بست کشیده شد و قاضی هم از دلیل طلاق آنها حیرت کرد. این زن و مرد جوان، پشت در شعبه ۲۶۶ دادگاه خانواده شماره ۲ ولنجک نشسته و منتظر بودند تا منشی صدایشان کند. کنار هر کدامشان یک وکیل بود، با صدای آرامی با زوج جوان صحبت می‌کردند و می‌خواستند آنان را متقاعد کنند که کارشان اشتباه است اما حرف‌های آنان هیچ تأثیری روی زن جوان نداشت. در این هنگام زن نگاهی به ساعت مچی‌اش انداخت و مرد که از چشمانش نفرت می‌بارید، نگاهی از روی عصیانیت به او انداخت و رویش را برگرداند اما ناراحتی و نگرانی در چشمانش موج می‌زد و مشخص بود دوست ندارد از همسرش جدا شود. دقیقی بعد، منشی دادگاه زن و شوهر جوان را صدا زد و هر دو وارد دادگاه شدند و با فاصله اندکی از هم روی صندلی نشستند.

زوج جوان تحصیلکرده چند وقتی بود که با هم اختلاف داشتند. زندگی عاشقانه و شیرین آنها حالا با گذشت ۷ سال از زندگی مشترک تبدیل به میدان جنگ شده بود؛ مرد تصور نمی‌کرد که بعد از تشکیل زندگی مشترک برای دیدن والدینش با همسرش به بن بست می‌رسد و به همین دلیل کارشان به دادگاه خانواده کشیده می‌شود.

قاضی از زن جوان می‌پرسد: «چرا می‌خواهی از همسرت جدا شوی؟» او و سؤال قاضی را اینطور جواب می‌دهد: ۷ سالی می‌شود که ازدواج کرده‌ام. من و همسر در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی باهم آشنا شدیم. همسر من رشته مهندسی صنایع غذایی درس می‌خواند و من مهندسی عمران. او پسر خوب و آرامی به نظر می‌رسید. وقتی دیدیم که از نظر فکری و معیاری به هم نزدیک هستیم، خانواده‌ها را در جریان قرار دادیم.

اوایل ازدواج‌ام، با کمک پدرم ما توانستیم یک واحد آپارتمان در شمال شهر تهران خریداری کنیم. من و هاشم یکدیگر را دوست داشتیم و چند سال عاشقانه در کنار هم زندگی کردیم و در این مدت، اختلافی نداشتم؛ تا اینکه چندی پیش متوجه شدم همسرم تحت تأثیر رفتار و گفتار والدینش قرار دارد.

این در حالی بود که پدرشورهم هم با فرزندم بازی‌های خطرناک می‌کرد. مدت‌ها بود که این موضوع بدجوری مرا اذیت کرده و افکارم را به هم ریخته بود. بنابراین از شوهرم خواستم که با خانواده‌اش رفت و آمد نکند یا حداقل نزد خانواده‌اش می‌رود، اخلاق و رفتارش تغییر می‌کند. مطمئن هستم مادرش در امور زندگی ما دخالت دارد و همسرم را شست‌وشوی مغزی می‌دهد.

در این میان مرد جوان تاب نیاورد و به قاضی پرونده گفت، مگر می‌شود پدر و مادر را کنار گذاشت؟ این چه حرفی است؟

آقای قاضی اگر همسرم خودش توانست پدر و مادرش را کنار بگذارد، من هم با پدر و مادرم رفت و آمد نمی‌کنم. باور بفرمایید به خاطر اینکه زندگی‌ام از هم نپاشد، حتی برای مدتی خودم را از دیدن والدینم محروم کردم اما آنها پدر و مادر هستند و نتوانستند تاب بیاورند مرا ببینند.

در مدتی که برای دیدنشان نمی‌رفتم مدام تلفنی یا من در ارتباط بودم و مادرم می‌گفت دلش برام تنگ شده است. آنها به امید روزی که اعضای دستشان باشم، مرا بزرگ کردند اما حالا حتی از دیدن من محروم هستند. آقای قاضی من وظیفه دارم به دیدن والدینم بروم اما هرگز همسرم را مجبور نکردم مرا همراهی کند. این اواخر همسرم کاری کرد که من خانه را ترک کردم. الان مدت‌هاست که اجازه دیدار با کودک خردسالم را ندارم.

باور کنید از روزی که زندگی در زیر یک سقف را شروع کردیم، من آرامش و آسایش از زندگی نداشتم و مدام در حال بحث و جدل بر سر فرزندم یا پدر و مادرم هستم. آقای قاضی ما باهم اختلاف فرهنگی شدید داریم و نمی‌توانیم باهم زیر یک سقف زندگی کنیم. اکنون نیز به ستوه آمده‌ام و قادر به ادامه زندگی با همسرم نیستم. حاضرتم تمام حق و حقوقم را پرداخت کنم و به این زندگی پر تنش پایان دهم.

قاضی که از شنیدن حرف‌ها و دلایل زن و شوهر جوان برای جدایی متعجب شده بود، از آنها خواست به مشاور خانواده مراجعه کنند تا شاید بتوانند مشکلاتشان را حل کنند.

گزارش رئیس قوه قضائیه در نخستین سالگرد حادثه تلخ فرو ریختن ساختمان متروپل

جزئیات پرونده متروپل

فرو ریختن ساختمان متروپل که به جان باختن ۴۳ نفر و مصدومیت تعدادی دیگر از هم وطنان انجامید، حادثه حقیقتاً تلخ و ناگواری بود اما اقدامات قضایی صورت گرفته در قبال این موضوع بعد از این حادثه تلخ، بسیار مجاهدانه و فوق العاده بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، دیروز طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه ضمن تریبک حلول ماه ذی‌القدره، آغاز دهم کرامت و میلاد حضرت فاطمه معصومه (س)، سوم خرداد سالروز فتح خرمشهر را گرامی داشت و اظهار کرد: فتح خرمشهر نقطه عطفی در تاریخ مقدس بود و سبب شد نگاه جهانیان به نبرد حق علیه باطل میان ما و رژیم صدام تغییر یابد؛ این رخداد شوکه‌مندان را می‌توان تجلی و تحقق وعده قرآنی «مَنْ قَاتَلَ قَبِيلَةَ قُلَيْبٍ فَتَهُ كَبِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ» دانست؛ چرا که تمامی نظام سلطه از شرق و غرب مشغول تجهیز و تسلیح صدام و صدامیان بودند، اما ایمان و اراده رزمندگان اسلام بر قدرت دنیایی آنها فائق آمد.

رئیس قوه قضائیه همچنین از ناکوروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش که مقتدرانه و ظفرمندان در حدود ۸ ماه با طی کردن بیش از ۶۵ هزار کیلومتر، دور دنیا را طی کردند و به میهن اسلامی بازگشتند، تقدیر و تشکر به عمل آورد و این رخداد را دنباله و از جنس همان اراده رزمندگان اسلام در فتح خرمشهر دانست.

محسنی اژه‌ای در ادامه، ۵ شهادت ۵ نفر از مرزبانان فرارچا در منطقه سراوان به دست تروریست‌ها و اشترار را به خانواده آنها و نیروها و فرماندهی فرارچا تسلیت گفت و بردستگیری و محاکمه و مجازات هرچه سریع‌تر عوامل و عناصر دخیل در این اقدام تروریستی تأکید کرد.

پرونده حادثه ساختمان متروپل ظرف ۲ ماه به سرانجام رسید

رئیس قوه قضائیه در ادامه نشست دیروز به دوم خرداد، نخستین سالگرد حادثه تلخ فرو ریختن ساختمان متروپل در استان خوزستان اشاره کرد و کار عظیم قضایی صورت گرفته در قبال این موضوع را بعد از این حادثه تلخ از جهات مختلف، کاری جهادی و شایسته تقدیر دانست و در همین راستا از مسئولان قضایی استان خوزستان به صورت ویژه قدردانی به عمل آورد.

محسنی اژه‌ای در تشریح موضوع فوق‌الذکر گفت: حادثه فرو ریختن ساختمان متروپل که به جان باختن ۴۳ نفر و مصدومیت تعدادی دیگر انجامید، حادثه حقیقتاً تلخ و ناگواری بود؛ اما اقدامات قضایی صورت گرفته در قبال این موضوع، بسیار مجاهدانه و فوق العاده بود؛ حجم کاری این مقوله و پرونده‌های تشکیک شده ناظر بر آن بسیار زیاد بود؛ در این راستا پرونده‌های کیفری و حقوقی با دسته‌بندی‌های



بخش‌های ناظر بر بودجه عمومی و غیرعمومی قوه قضائیه عملیاتی نشده بود؛ لذا تأکید کردم که نامه مربوط به این موضوع را در ابتدای این هفته به دست من برسانند تا دستورات مقتضی را صادر کنم. از سوی دیگر تنها بخش ناچیزی از مصوبات سفر تیرماه ۱۴۰۱ رئیس‌جمهور به خراسان شمالی در بحث تجهیز مراکز قضایی محقق شده بود که البته هنوز زمان برای تحقق آن باقی است.

محسنی اژه‌ای تأکید کرد: ما مسئولان باید در جریان سفرهای استانی خود، با رد نظر گرفتن مقررهای خود جامعه عمل پوشانیم؛ مردم مصوبه کنیم؛ همچنین چنانچه وعده دادیم و مصوبه تصویب کردیم باید در تحقق و عملیاتی شدن آنها نهایت تلاش و اهتمام خود را به کار بندیم، چرا که مردم از ما توقع دارند به

حادثه متروپل، قوه قضائیه مسأله‌محوری را در دستور کار قرار داد و رسیدگی به این حادثه از مصادیق رویکرد مسأله‌محورانه دستگاه قضایی است؛ در همین راستا، مرکز رسانه قوه قضائیه در سالگرد این حادثه باید به ابعاد مختلف رسیدگی‌های کار قبالی این موضوع بپردازد. بخشی از مصوبات سفر سال ۹۹ هیأت عالی قضایی به استان خراسان شمالی عملیاتی نشده است.

رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به سفر اخیر غیررسمی و از پیش اعلام نشده خود به استان خراسان شمالی گفت: در روز چهارشنبه هفته گذشته که برای شرکت در همایش دادستان‌های سراسر کشور در مشهد حضور داشتم، به صورت از پیش اعلام نشده و شبانه عازم پنج‌رود مرکز استان خراسان شمالی شدم؛ علت اصلی این سفر غیررسمی آن بود که اخباری ناظر بر عدم تحقق کامل مصوبات سفر دی‌ماه ۹۹ هیأت عالی قضایی به استان خراسان شمالی به من واصل شد و تصمیم به انجام این سفر گرفتم. متأسفانه بخشی از مصوبات سفر سال ۹۹ هیأت عالی قضایی به استان مزبور چه بخش‌های مربوط به تعهدات استاندارد و چه

«دیه نفس کامل» تعلق می‌گرفت و چه آنهایی که احیاناً باید به آنها «ارش» پرداخت می‌شد، اقدامات لازم صورت گرفت.

رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به کار کارشناسی و آسیب‌شناسانه‌ای که در قوه قضائیه در قبال موضوع فرو ریختن حادثه متروپل صورت گرفت، گفت: ما در دادگستری در حد وسیع خود در خصوص این حادثه کار کارشناسی و آسیب‌شناسی‌های لازم را از جهات مختلف اعم از نوع قراردادهای، نوع نظارت‌ها و... انجام دادیم و این کارشناسی‌ها و آسیب‌شناسی‌ها را در اختیار دستگاه‌های ذی‌ربط در قوه مجریه قرار دادیم؛ امیدواریم آنان نیز این مقوله را مطلق‌نظر قرار دهند تا در آینده شاهد وقوع این قبیل حوادث ناگوار و تلخ نباشیم

محسنی اژه‌ای تصریح کرد: در قضیه رسیدگی به حادثه متروپل، قوه قضائیه مسأله‌محوری را در دستور کار قرار داد و رسیدگی به این حادثه از مصادیق رویکرد مسأله‌محورانه دستگاه قضایی است؛ در همین راستا، مرکز رسانه قوه قضائیه در سالگرد این حادثه باید به ابعاد مختلف رسیدگی‌های کار قبالی این موضوع بپردازد. بخشی از مصوبات سفر سال ۹۹ هیأت عالی قضایی به استان خراسان شمالی عملیاتی نشده است.

رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به سفر اخیر غیررسمی و از پیش اعلام نشده خود به استان خراسان شمالی گفت: در روز چهارشنبه هفته گذشته که برای شرکت در همایش دادستان‌های سراسر کشور در مشهد حضور داشتم، به صورت از پیش اعلام نشده و شبانه عازم پنج‌رود مرکز استان خراسان شمالی شدم؛ علت اصلی این سفر غیررسمی آن بود که اخباری ناظر بر عدم تحقق کامل مصوبات سفر دی‌ماه ۹۹ هیأت عالی قضایی به استان خراسان شمالی به من واصل شد و تصمیم به انجام این سفر گرفتم. متأسفانه بخشی از مصوبات سفر سال ۹۹ هیأت عالی قضایی به استان مزبور چه بخش‌های مربوط به تعهدات استاندارد و چه

تا فرو ریختن ساختمان صورت گرفت، تعیین مسئولیت و نقش نظام مهندسی و شرکت فنی و مشاوره... مواردی بودند که تحقیق و بررسی و کار کارشناسی فنی و همه‌جانبه را طلب می‌کرد؛ همه اینها در حدود ۲ ماه انجام گرفت و برای کارشناسی که دادسرا تشخیص داد در این حادثه مقصر هستند قرار جلب به دادرسی صادر شد. محسنی اژه‌ای افزود: پس از صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده به دادگاه رفت و در دادگاه بدوی نیز مراحل مختلف رسیدگی با دقت و شفافیت با حضور وکلا طی شد، سپس پس از وصول لوائح اعتراضی از جانب متهمین و وکلای آنها و بعضاً شکات پرونده، موضوع در دادگاه تجدیدنظر، مراحل مختلف خود را طی کرد؛ یک‌ای حال تا زمانی که حکم قطعی و صادر شد صادر شد و حکم قطعی و صادر شد صادر شد

دادگستری خوزستان صورت گرفت. رئیس قوه قضائیه در ادامه با تبیین و تشریح ابعاد حقوقی رسیدگی به پرونده متروپل، گفت: در بُعد حقوقی موضوع، با چند دسته پرونده مواجه بودیم: نخست، کسانی که مدعی بودند یا صاحب پروژه برای دریافت ملک تجاری قرارداد منعقد کرده‌اند، دوم، کسانی که در زمان وقوع حادثه در ساختمان مستقر بوده و متحمل خسارت شده بودند و سوم، مراجع‌کنندگان و مشرتبانی که در زمان وقوع حادثه، با مصدوم شده و یا خسارت مادی دیده بودند. رسیدگی به پرونده در این قسمت هنوز به پایان نرسیده، البته نزدیک به ۸۰ درصد کار در این مقوله نیز انجام شده است و احکام صادر شده‌اند، البته ممکن است هنوز این احکام اجرا نشده باشند. علی‌ای حال در بُعد حقوقی ماجرا به لحاظ کارشناسی‌ها و اختلافات حقوقی که میان طرفین پیش می‌آید، کار سنگین و زمانبر است؛ بویژه آنکه فردی که در این حادثه اتهام سنگینی متوجه او بود، جان باخت و به لحاظ مسائل حقوقی باید با کمک ورثه او امور پیش رود.

محسنی اژه‌ای افزود: در مبحث دیه جنایت‌ها و مصدومان این حادثه نیز، چه به آنها که باید

پسر نابینا هنوز به ساعت دیواری روی دیوار فکر می‌کند

کابوس‌های واقعی دنیای تاریکی

ببرند که بتواند بیبایی‌ام را برگرداند. هر روز از این بیمارستان به آن بیمارستان می‌رفتم و هر کدام چیزی می‌گفتند. زمانی که به طور کامل بیبایی‌ام را از دست دادم، برخی پزشکان می‌گفتند که امید داشته باشم تا سه ماه دیگر درمان قطعی این بیماری

می‌گفتند که امید داشته باشم تا سه ماه دیگر درمان قطعی این بیماری پیدا شده بود. این دانشجوی روانشناسی تأکید می‌کند: «سنم کم بود که نابینا شدم. دوستانم که شناختی نسبت به بیماری‌ام نداشتند من را ترک کردند و اینگونه شد که حلقه دوستانم تنگ و تنگ‌تر شد و من هر روز افسرده‌تر می‌شدم.» او در خصوص اینکه شهر

سیاه شده بود. آخرین تصویری که دیدم، یک ساعت دیواری بود. در بیمارستان فارابی، رو به روی تختم با شماره ۳۸ یک ساعت دیواری بود می‌گفت. خاطرات روزهایی را مرور می‌کند که می‌توانست رنگ‌ها، چهره همکلاسی‌ها و معلم‌هایش، پرواز پرندگان و به طور کلی

زیبایی‌های دنیا را ببیند؛ اما ناگهان، همه چیز برایش از این‌رو به آن‌رو می‌شود. دنیا روی خوشش را برمی‌گرداند و همه چیز را سیاه و سیاه‌تر نشان می‌دهد. ۱۳ سال پیش در بیمارستان فارابی حسن نظری که این روزها دانشجوی کارشناسی روانشناسی است، به علت ابتلا به بیماری نادر «سندروم آتروفنی عصب بینایی» بیبایی‌اش را رفته‌رفته از دست می‌دهد. او که والدینش سال‌ها پیش از افغانستان به ایران آمده بودند و خودش متولد ایران است، آن روزها حتی بیمه‌ای نداشت که بیماری‌اش را تحت پوشش قرار دهد. او به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «۲۶ ساله هستم. در ۱۳ سالگی دچار این بیماری شدم که مهم‌ترین علت ابتلا به آن عوامل ژنتیکی است. بعد از آن دیگر نتوانستم دنیا را ببینم؛ به همین راحتی، مهم‌ترین دارایی‌ام را از دست دادم. من ماندم و دنیایی که



داده می‌شود که فرد نابینا را تحویل بگیرند. با همه اینها، اصلاً چنین چیزی وجود ندارد.» وی با اشاره به اینکه خودش هر روز درگیر حادثی می‌شود که در شهر برایش رخ می‌دهد، خاطره‌ای را مرور می‌کند که حین پیاده شدن از یک اتوبوس بی‌آرتی برایش به وجود آمده است. او می‌گوید: «یک روز با باشگاه به سمت خانه برمی‌گشتم و به شدت خسته بودم که سوار اتوبوس تندرو شدم. یک جایی در اتوبوس باز شد ولی همچنان در حرکت بود. من احساس کردم که اتوبوس ایستاده است و قدم برداشتم تا از آن خارج شوم غافل از اینکه در حال حرکت است و به بیرون پرت شدم. فقط تنها شانس منی که آورد این بود که در آخرین لحظه نتوانستم دستم را به دستگیره در اتوبوس برسانم. راننده دستم را از آنجا برداشت و من را با یک پک خانم متوجه خانه را دیدم، جیب ز و بعد راننده متوجه شد و ترمز کرد. در نهایت آن راننده به جای اینکه بایستد و حال من را جویا شود، از صحنه فرار کرد.» حسن نظری تأکید می‌کند: «جداز اینکه امکانات به خوبی نشده است اصلاً آگاهی‌رسانی نیز راجع به معلولیت افراد دارای معلولیت وجود ندارد. برای مثال من در دانشگاه به سختی تردد می‌کنم. از آنجایی که در دانشگاه اتوبوس نقل و انتقال دانشجویان تردد دارد، من نمی‌توانم از پیاده‌روها حرکت کنم چراکه پلکانی تعبیه شده‌اند. من ناچارم از کنار خیابان به دقیقاً جایی که این اتوبوس‌ها تردد دارند عبور کنم. حتی برای تردد افراد ویلچری نیز ریمب تعبیه نشده است.»